

17/03/2009

دوکتور صلاح الدين سعیدی

مرکز کلتوری د حق لار و مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

ملاحظات چندی بر نوشته محترم محمد قاسم هاشمی در مورد محترم جلالی کانديد رياست جمهوری ۲۰۰۹ افغانستان

در سایت افغان جرمن آنلاین نوشته محترم محمد قاسم هاشمی را تحت عنوان (جلالی تمثالی از الیناسیون) در مورد محترم پروفیسور علی احمد جلالی کانديد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ افغانستان مطالعه کردم. باید اعتراف کرد که برای فهم کلیمه (الیناسیون) که در عنوان نوشته مذکور استعمال شده بود به قاموس مراجعه کردم. من مخالف استعمال کلمات اجنبی نیستم و این کلیمات افاده بزرگ میتوانند اداء کنند اما سفارش من این است که سطح فهم من خواننده را نظر گرفته و این کلیمات را یا به شکل مترادف استعمال نمایند و یا هم با افزودن حروف لاتین کلیمات اجنبی را استعمال نموده تا تا در تثبیت مقصد محرر خطاء نه کنیم. همچنان قابل یاد آوری میدانم که بخش اولی این نوشته بسیار عالی، جالب و آموزنده بود. به جزییات نمی روم.

اینک به نکات چندی از این بحث جالب و خوب به ترتیب که در اصل نوشته آمده متمرکز شده و کمی آنرا توسعه

میدهم:

بلی توجه به یافتن و درک قانون مندی های معین تکامل اجتماعی کار خوب و مهم است تا ما بادرک آن راه خود را روشن تر دید. اما نباید فراموش کرد که کشف این قانونمندی ها در مسایل اجتماعی در تفاوت از علوم سیاسی در همه موارد مانند یک جمع یک دو نمی شوند. در علوم اجتماعی میشود درصد حالت و کیس یک قانونمندی عمل کند و در حالت و کیس صد و یک قانونمندی و نتیجه گیری دیگر باشد.

شما میدانید که افکار اندیشه ها و طرز تفکر ما معمولاً از تجارب زندگی ما، خانواده و اجتماع که در آن زندگی میکنم برخاسته و تشکل مییابد. هر انسان شرایط به خصوص خود را داشته و به تاسی از آن و تحت تأثیر ان افکار و اندیشه هایش تشکل میابد. اینکه این دنباله روی از شرایط و تأثیر محیط تا کدام حد درست و در کدام موارد استقلال داشته میتواند و یا این تأثیر پذیری تا کدام حد منطقی دارد و موجه است و در کدام موارد مضر و غیر ضروری و نادرست است؟ این خود یک بحث مستقل است.

اینکه تا کجا باید دست آورد بشریت را دست آورد دانست و بدون پیشداوری در قبول، درست بودن و برداشت از آن باید تعمق کرد و واقعا نیز بحث خوبی است که تعیین حدود و ثغور کتابی برای آن ناممکن است. معیار بخشی از خوبی ها و خرابی ها و درستی ها به جای، مکان، زمان و ... ارتباط داشته میتواند. و یا همه این جوانب سهم خویش را درین قضاوت ها دارند؟ به فکر من ما مینحیث موجود زنده به صورت قطع متأثر از آنچه هستیم که در ماحول ما میگذرد ما نمی توانیم بدون تأثیر محیط باشیم. اما این جدا سازی و کندن از محیط تا کجا درست و در کدام مرحله مضر است این خود بحث مستقل دیگر است.

اینکه افکار و نتیجه گیری های معین آقای علی شریعتی وی را به اندیشه های کمونیستی نزدیک میسازد موضوع قابل بحث است.

شما بهتر میدانید که جوامع مختلف جهان حین پذیرش و عدم پذیرش عضو مسأله انتگریشن و عدم انتگریشن به جامعه جدید را فکتور عمده و اساسی میگیرد. اینکه این انتگریشن تا کدام حد خوب و مثبت است و در کدام مرحله به تحلیل و کاملاً محوه کلتور اولی منجر میشود و در کلتور و طرز تفکر و زندگی جدید فناء میگردد بحث است نهایت مهم و موضوع داغ امروزی در کلکتیف های و کمیونیتی (گروپ های خارجی) خارجی در اروپا و امریکاء. انسانها در طول تاریخ به مهاجرت های جبری و غیر جبری پرداخته و میبازند.

در عصر امروز سوال مطرح است که آیا کشور های غربی انسانهای را که خواهان اخذ کامل و جذب کلتور و فرهنگی جدید را داشته باشند دوست دارند و یا هم به جذب قسمی و انتگراسیون قسمی افراد جدید قناعت دارند؟ حدود و ثغور این انتگریشن ویا محوه و اسیمیلاسیون در کلتور، فرهنگ و طرز تفکر جدید است کدام است؟

در مورد تهاجم فرهنگی و کلتوری باید اقرار کرد که هیچ نیروی نمیتواند به مقابل بخش این تهاجم که ناشی از برتری های اقتصادی و سیاسی است استادگی نماید. اینکه تا کجاء این حرف برای ما خوش آیند است و تا کدام حد این حرف مطلوب ویا غیر مطلوب است بحث است جدا گانه. به فهم من استادگی تقلبی و غیر منطقی و غیر مستدل در برابر بعضی این افکار موجه نیست. **اما به نام فرهنگ جدید ارزش های معین خوب قبول شده خویش را از دست دادن به نام**

آزادی و دیموکراسی خطا و نادرست است. به طور قطع گفته می‌توانم که ارزش‌ها به سال‌ها و روز و قرن اندازه نمی‌شوند. مقام پدر، مادر، خواهر و برادر با مرور قرن‌ها به جای خویش باقی میمانند. بورس‌های تحصیلی به ذات خود مشکل نیست. مشکل اصلی در عدم آگاهی ما از فرهنگی و کلتور خویش است. من زمانیکه به افکار راسیونالیته و روشنگری اروپاء متوجه می‌شوم و زمانیکه سیکولاریسم و اندیشه‌های سیکولار که در تاریخ اروپا و جدال‌های مسیحیت در اروپا و قدرت‌مندان سیاسی وجود داشت و با فهم من از تاریخ و دین مسیحیت و شناخت من از دین اسلام مقایسه می‌کنم - به تعجب و تأسف چاره ندارم که بر گفته و تأکیدات شما مهر صحه بگذارم. عده ازین تحصیل کرده‌های غربی را میبینم با چه شکوه و دبدبه و افتخار از مسائلی که در جوامع غربی واقع شده‌اند جانب داری میکنند و از تاریخ تمدن اسلام و تمدن آن زمان کشور‌های اسلامی و تفاوت دین اسلام با مسیحیت آگاهی نداشته و به تأیید گفته‌های شما همان اندیشه‌های که در جوامع معین بشری مستدل بوده و منطق نسبی خویش را دارد عام میسازند و به بد راهه میروند.

و آنچه آمدم در مورد انتقاد شما از اظهارات محترم علی احمد جلالی کاندید ریاست جمهوری ۲۰۰۹ افغانستان تحت عنوان (چگونه در افغانستان پیروز شویم) که در واشنگتن پست انتشار یافته:

اجازه بدهید بخاطر اینکه شما را در مورد صلاحیت و حق صحبت من درین مورد در روشنی قرار داشته باشم کمی از خود و تجارب خوب صحبت کنم: از سال ۱۹۸۴ در پهلوی سایر فعالیت‌های وظیفوی و فرهنگی مصروف کار ترجمه ام. در سال ۱۹۸۶ قاموس ۴۵۰۰ واژه‌ای من به چاپ رسید. در سال ۲۰۰۲ قاموس ۹۰۰ صفحه‌ای من در چهار زبان چاپ و در یکی دوسال آینده کار قاموس کم و بیش ۱۶۰۰ صفحه‌ای من در پنج زبان - ان شاء الله - تکمیل و به نشر خواهد رسید.

شما میدانید که هر لغت و واژه از خود تاریخ و تذکره دارد و معانی لغوی واژه به مرور زمان چندان فرق نمیکند. اما معانی اصطلاحی به مرور زمان متفاوت میگردد.

شما میدانید که زبان‌ها در تکامل اند. به همین خاطر تاکید دارند که قاموس‌ها باید در هر بیست سال تجدید شوند. شما میدانید که زبانها مراحل مختلف انکشاف را میگذرانند. و شما میدانید که ترجمه از اصل افاده مطلب مشکل است. مثلاً خود زبان انگلیسی: املا، انشاء و معانی لغات و واژه‌ها در خود زبان انگلیسی در انگلیس در اسکاتلند، در امریکا شمالی و فرق میکنند. میگویند ترجمه قران کریم ممکن نیست و این آنچه در دست داریم تلاش است برای تفسیر آن و

من زمانیکه حین تثبت معانی امروز لغات و واژه‌ها به زبانهای مختلف متمرکز می‌شوم مجبورم با قاموس‌های مختلف با زبان‌های مختلف مراجعه کنم. سبک هر قاموس تقریباً متفاوت است. برای معلومات شما قاموس‌های را در اختیار دارم که حتی چاپ ششم و هفتم اش است اما باز هم در هر صفحه دو سه عدم دقت‌ها و غلطی‌های املائی و محتوایی دیده‌ام دران باقی مانده.

لذا قبل از اینکه در مورد نوشته فوق آقای جلالی انتقاد نماید باید دقت میشد که:

- اصل نوشته آقای جلالی به کدام زبان بوده و در صورتی که اصل نوشته به پشتو ویا دری ترجمه شده تا کدام حد ترجمه دقیق صورت گرفته؟ برای معلومات من من حیث یک مسلمان چندی قبل نوشته یک کشیش کاتولیک را مورد جنایات ۲۲ روزه آغاز سال جاری اسرائیل در غزه - از متن انگلیسی ترجمه کردم اما بخاطر اینکه در موارد معین تردید داشتم برای امانت داری اصل متن انگلیسی - نوشته مذکور را نیز به نشر رسانیدم (به گوگل نام من را سرچ کنید این نوشته را با متن انگلیسی آن دریافت خواهید کرد).

- شما میدانید که هر نوشته به صورت اکثر خواننده معین خویش را دارد.

- شما میدانید که جهان دارد به قریه کوچک مبدل میگردد.

- شما میدانید که در صورت انفجار سلاح اتمی سرحد سیاسی را نمی‌شناسد.

- شما میدانید که اگر یک کشور تمام بودیجه خویش را مصرف امور دفاعی کند باز هم امنیت خویش را بدون همکاری مجامع بین‌المللی نگه داشته نخواهد توانست.

- شما میدانید که ما انسانها (بنی آدم) عضو جامعه بشری و مسولیت‌های مشترک در عالم داریم.

- شما میدانید که صلح امر مشترک بشریت است. شما میدانید که به نام انسانیت صحبت کردن و صلح را بردن وظیفه هر انسان با مسولیت است. و شما میدانید کی بنی آدم ز اعضای یک دیگرند. و

مثلاً اگر ما برای قناعت نیرو های مطرح درکشور خویش به مفهوم کار مشترک برای صلح و انسانیت صحبت میکنم چه باک دارد افاده های مشابه داشت که شما از آن انتقاد دارید و آنرا از دیدگاه به اصطلاح ثالث و یا هم میبینید؟ ضرورت است حین کار دربین این جوامع برداشت خویش را ازین جوامع دقیق ساخت و در طرز صحبت از موضع دشمنی نباید صحت کرد. در صورت همچو برخورد اولاً به نشر نمی رسد و دوم اینکه رسالت خویش را نوشته دشمنانه اداء نمی کند.

آقای گوردن پروان صدراعظم انگلستان در سفر اخیر خویش حین بازگشت از افغانستان به ملت خویش مطرح کرد: حرکات در کوه های افغانستان بر کوچه های لندن تاثیر دارد. این مسؤلین دولتی و حکومتی ازین طریق و موضع منافع مردم خود به قناعت ملت خویش میپردازند و منافع خویش را در منافع و تامین صلح در افغانستان میبیند. این افاده هم کاملاً قابل درک است.

اگر من تاکید کنم که در افغانستان صرف تانک و تفنگ را ه حل مسأله نیست و به نفع هیچ کس نیست. این چه مشکل دارد؟ اینکه در قناعت این جوامع و واقعیت های این جوامع پرداخت و ملت خود را از شر جنگ و بمبارد های کر و کور و سر بریدن ها و رنج و آلم نجات داد و افاده ای معین و مؤثر داشت که هدف دشمنی نداریم ما با شما دشمنی نداریم. دست از سر ما بردارید و راه پیروز ما و چنین افاده ها چه مشکل دارد؟ - **چرا باید اینقدر خورد گیر بود؟** با وجود آن هم گپ اولی من در مورد ترجمه دقیق و عدم دقیق نوشته های محترم جلالی به جای خود باقی است. اینکه اصل مطلب به کدام زبان نوشته شده و ترجمه آنرا کی کرده و چقدر ترجمه دقیق بوده خود مبحث جدا گانه است؟ لطفاً به واژه های فراری، پناهنده، مهاجر، پناهنده سیاسی، پناهنده اقتصادی، مفهوم و معنای ترجمان و ... در زبان های مختلف توجه کنید تفاوت و عدم دقت ها را ببیند. به طور مثال برای واژه ترجمان در انگلیسی دو اصطلاح متفاوت وجود دارد: انترپریتر و ترانسلیتر. انترپریتر ترجمان زبانی و ترانسلیتر ترجمان کتبی. هزار های مثال دیگر هم وجود دارد.

بلی ما طرفداران صلح جهانی چگونه در افغانستان پیروز شویم؟

بلی ما اعضای جامعه مدنی چگونه در افغانستان پیروز شویم؟

بلی ما طرفداران حقوق بشر چگونه در افغانستان بر جنگ پیروز شویم؟

بلی ما پیروان افکار انسان و انسانیت چگونه در افغانستان پیروز شویم؟

بلی ما مخالفین بمبارمانهای کور و کر چگونه در افغانستان بر جنگ پیروز شویم؟

بلی ما

این مطلب را میتوان تعبیر خوب و بد کرد. اما چرا بد؟

چون مخاطب و خواننده ما خوانند نیویارک تایمز است لذا درست و دقیق است که صحبت از کشور کمبودیا نیست. صحبت از کشور فلسطین نیست. بلکی صحبت از افغانستان است. لذا ذکر کلیمه افغانستان با در نظر داشت خواننده نیویارک تایمز کلیمه نورمال است.

سیاست غلط کادری، عدم شفافیت در مسایل اقتصادی، حالت یک بن بست سیاسی و اینکه از دست آوردها و برتری های نظامی در بخش سیاسی استفاده نه شود و به توافق سیاسی رسیدگی نه شود. بلی این ناکامی است و راه ناکامی است.

و وظیفه هر وطن دوست و انسان خیرخواه است که از هر وسیله نیک برای برآمدن ازین حالت و رفع این حالت استفاده کند.

بلی یکی ازین راه ها گرفتن قدرت سیاسی و پیاده کردن اهداف خیر و صلاح و فلاح است. اگر سیاست به منظور خدمت به خلق الله است پس این عبادت است. کار تفتیش قلب ها و آگاهی بر قلب ها کار انسان ها نیست.

شواهد و قراین نشان میدهد که به تغییر اداره و منجمنت ضرورت است.

شواهد و قراین نشان میدهد که در بین تمام کاندیدان مطرح بهترین کاندید ریاست جمهوری ۲۰۰۹ در افغانستان محترم پروفیسور علی احمد جلالی است.

بلی ما باید سیستم ساز بود و با استفاده از تمام وسایل صلح آمیز به نگه داشت آنچه مثبت است برای بهتر شدن کار کرد. اگر تمام جوانب و قوه های سیاسی به حضور نیرو های خارجی جواب بدهند هیچ فرد سلیم اندیش موجودیت نیرو های خارجی را تاکید نمیدارد.

بلی مداخلات ای اس ای و دیگر مراجع و نیروی های خارجی این وضع را بر کشور ما افغانستان تحمیل نموده اند. آنهايیکه برای خروج نیرو های خارجی کار میکنند و درین امر صادق اند باید عملاً به این پروسه کار کنند. و این پروسه را باید تسریع نمایند تا نیرو های خارجی به وطن خویش برگردند.

بلی نحوه کار و کمک باید تعریف و مشخص گردد. ما نمیتوانیم و واقعینانه و ریال نیست که کسی برای کسی خون بریزد و هیچ منفعت از آن نداشته باشد. خارجی ها برای حفظ منافع خویش به افغانستان آمده اند و این کدام سر و امر مخفی نیست. باید به منفعت متقابل توجه کرد و با جمع و جور کردن خود به جهان نشان داد که ما تحدید برای کسی در جهان نیستیم و ما هم حق داریم مانند دیگر جوامع بشری در صلح و آرامی زندگی کنیم. کار برای این امر با دید ریالستیک و حق بینانه ضرور است.

از پرواز ها و خواب و خیال ها باید برای فعلاً دوری جست.

ما باید از وضع فلاکت بار فعلی خارج شویم و به صلح که به نفع مردم ما است نایل گردیم.

من مطمئن ام که مردم افغانستان راه خویش را خواهند یافت.

به اراده نیک، هوشیاری پختگی سیاسی و متانت ضرورت است.

فرصت ها را نباید از دست داد مردم ما رنج میبرند و همه روزه به درد و آلام شان افزوده میشود.

به امید موفقیت همه افراد صالح و خیر اندیش.

و السلام

(مصروفیت های زیاد است این نامه را مرتبه دوم نخواندم با بزرگواری از خطاء های املائی و انشایی عفو خواند کرد.)